



پژوهشی فقهی در تکثیر نسل و نسبت آن با تحکیم خانواده

ناصر عاشوری^{۱*}، منصور غریب‌پور^۲، سید مهدی جوکار^۳

چکیده

فرزندآوری و نقش آن در تحکیم خانواده یکی از مسائل مهم در جوامع اسلامی است. فقها و اندیشمندان اسلامی در مورد تکثیر نسل نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند و هرکدام سعی دارند با استفاده از ادله فقهی، نظر خود را اثبات و آثار آن در نظام خانواده را پیاده کنند. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-اسنادی و باهدف نقش فرزندآوری و تکثیر نسل بر تحکیم خانواده با تکیه بر آرای فقها درباره جمعیت و نقد آراء این حوزه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که از بین آرای اندیشمندان اسلامی درباره جمعیت، نظریه تکثیر نسل و فرزندآوری، مطلوب شرع در شرایط عادی و وجوب بالكفایه در مواقع ضروری است. دیدگاه‌های فقهی دیگر درباره جمعیت، بدون توجه به ادله فقهی-قرآنی-روایی و آثار تکثیر نسل بر تحکیم نظام خانواده تفسیر شده است.

واژگان کلیدی: مبانی فقهی جمعیت، تکثیر نسل، فرزندآوری، تحکیم خانواده،

تکثیر نسل.

1DOI: 10.22034/ijwf.2023.15871.2088

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳
۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: naserashoori65@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-2487-7988

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ma.gharibpoor@gmail.com

ORCID ID: 0000-0003-0544-2388

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: m.jokar@yu.ac.ir

* این مقاله حاصل رساله دکتری ناصر عاشوری است که با حمایت علمی دانشگاه یاسوج انجام شده است.

Jurisprudential Research on the Multiplication of Generations and Its Relationship with Family Consolidation

Naser Ashouri¹, Mansour Gharibpour², Seyed Mahdi Jokar³

Having children and its role in strengthening the family is one of the important issues in Islamic societies. Islamic jurists and thinkers have given different opinions about the multiplication of generations. Additionally, each of them tries to prove their opinion by using jurisprudential evidence and implement its effects in the family system. The current research was done according to analytical-documentary method and aimed at the role of having children and multiplying the generation on family consolidation, relying on the opinions of jurists about the population and criticizing the opinions of this field. The results showed that among the opinions of Islamic thinkers regarding the population, the theory of reproduction and child bearing is desirable in normal circumstances and sufficiently obligatory in times of need. Other jurisprudential views about the population have been interpreted without paying attention to jurisprudential-Quranic-narrative evidence and the effects of the multiplication of generations on the consolidation of the family system.

Keywords: jurisprudential fundamentals of population, generation reproduction, child bearing, family consolidation, generation reproduction.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

DOI: 10.22034/ijwf.2023.15871.2088

Paper Type: Research

Data Received: 2023 / 05 / 10 Data Revised: 2023 / 06 / 05 Data Accepted: 2023 / 06 / 13

1 .Ph.D. Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Email: naserashoori65@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-2487-7988

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)

Email: ma.gharibpoor@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Email: m.jokar@yu.ac.ir

ORCID ID: 0000-0002-1478-4905

* This article was extracted from Naser Ashouri's Ph.D. thesis with the scientific support of Yasuj university.

۱. مقدمه

نهاد خانواده، رکن اصیل اجتماع بشری است تا آنجا که سعادت و شقاوت ملل، مرهون رشد و ضلالت خانواده است. تمام دستاوردهای بشر در سایه خانواده‌های مستحکم، امن و سالم پدید آمده است. شرط پویایی جامعه و رسیدن به آرمان‌های خود، سلامت و پایداری نهاد خانواده است. قرآن، عالی‌ترین نسخه زندگی برای رسیدن انسان به حیات طیبه بوده و آیاتی در مورد تحکیم خانواده نازل شده است. در برخی از سوره‌های قرآن مانند سوره‌های انسان، تحریم، نساء و... خداوند مسائل خانواده و راهکارهای تحکیم خانواده را بیان می‌کند. در اسلام منظور از خانواده مجموع والدین و فرزندان است و هرکدام در به تعالی رساندن این بنای مقدس سهم ویژه‌ای دارند. از فرزند در خانواده تعبیری مانند کمک‌کار والدین (ر.ک.، اسراء: ۶)، هدیه و نعمت خداوند متعال (ر.ک.، آل عمران: ۱۴؛ مؤمنون: ۵۵) و نور دیده (ر.ک.، فرقان: ۷۴) نام برده شده است. در آیه ۱۱ سوره شوری آمده است: «جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ». با توجه به این آیه، تکثیر نسل و بقای انسان از اهداف تشکیل خانواده است. بیشتر مفسرین شیعی و اهل سنت، تکثیر نسل را از اهداف و حکمت‌های تشکیل خانواده می‌دانند (مراغی، بی‌تا؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق).

رجوع به این آیات، رهگشای انسان در رسیدن به تحکیم خانواده است. در سیره معصومین علیهم‌السلام درباره خانواده نقل‌های فراوانی است که خود دال بر اهمیت این بنای مقدس است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» (جرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳/۱۴). در آموزه‌های دین اسلام، خانواده نهادی محبوب، مقدس، با ارزش است (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲۲۲/۶)، همچنین خانواده نهادی برای رسیدن به آرامش (ر.ک.، روم: ۲۲)، محل سرور و رشد مادی (ر.ک.، جرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۷/۴) و عالی‌ترین مکان تربیت فرزند (ر.ک.، سالاری، ۱۳۸۶) است.

نگاه اسلام به خانواده نگاهی معنوی است. الگوی اسلامی خانواده در اسلام تفاوت زیادی با خانواده در نظام غرب دارد. سعادت یک جامعه و کشور در گرو خانواده محکم است. اگر خانواده سست شود عمر جامعه روبه افول است. جامعه‌ای که بنیان خانواده در آن متزلزل است در معرض نابودی و فناست (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۱).

در احادیث، توصیه‌های فراوانی به ازدواج و فرزندآوری شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج را سنت خود می‌داند و فرزند را چون گل خوش بو معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۳۲۹/۵). ارزش فرزند در اسلام آن قدر مهم است که حتی سقط شده آن نیز والدین را سعادتمند می‌کند. در حدیثی آمده است که فرزند سقط شده تا پدر و مادرش وارد بهشت نشوند، وارد بهشت نمی‌شود. (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۲) خداوند متعال در آیه ۸۶ سوره اعراف می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ؛ به یاد آرید زمانی را که عده قلیلی بودید و خدا بر عده شما افزود». در این آیه خداوند از لفظ کثیر در مقابل قلیل در قالب یک منت و لطف بر بشر استفاده کرده است و در مقابل این منت می‌خواهد که شکرگزار باشند. از تعبیر کثیر در این آیه برمی‌آید که گاهی افزونی جمعیت (با نظم و برنامه) می‌تواند یک ارزش باشد. در آیه ۴۹ سوره شوری خداوند از فرزندان به هدیه الهی تعبیر می‌کند: «اللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِائًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ؛ تنها خدا راست ملک آسمان‌ها و زمین، هرچه بخواهد می‌آفریند، به هرکه خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هرکه خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند». هردو کلمه «يَهَبُ» را به کار برده است تا بفهماند پسر و دختر، هردو هدیه الهی هستند (قرائتی، ۱۳۸۳). موهبت فرزند به اندازه‌ای است که حتی پیامبران الهی در برخی مواقع از خداوند متعال طلب فرزند می‌کردند.

باتوجه به مطالب مطرح شده، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی و ادله فقهی مطلوبیت تکثیر جمعیت چیست و ازمنظر فقه تربیتی، فرزندآوری چه ارتباطی با تحکیم خانواده دارد. این مسئله باتوجه به نظریات، کتب و پژوهش‌هایی که در گذشته در مورد تحدید جمعیت و تنظیم خانواده نوشته شده است و مشکلات و آسیب‌های نظام خانواده در نبود فرزند و یا تک فرزند بودن اهمیت ویژه‌ای دارد. علاوه براین، حاکمیت اسلامی نیز باید برنامه‌های جمعیتی طبق فقه اسلامی به منظور اتخاذ تصمیم صحیح لحاظ کند.

۱-۲. چارچوب نظری پژوهش

خانواده متشکل از افرادی است که با پیوند زناشویی یا پذیرش فرزند در نقش والدین و برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک دارند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (قنادان، ۱۳۷۵). در خانواده افراد از راه خون، ازدواج و فرزندخواندگی با یکدیگر ارتباط دارند. یکی

از اهداف اصلی خانواده، تولیدمثل است. در آیاتی از قرآن نیز به کلمه اهل به معنای خانواده اشاره شده است (ر.ک.، نساء: ۹۲؛ مائده: ۸۹). در اصطلاح، خانواده نهادی اجتماعی است که براساس ازدواج حاصل می‌شود. مهمترین محل تلاقی ویژگی‌های زنانه و مردانه، نهاد خانواده است. نیازهای روحی و عاطفی انسان‌ها و ایثار و از خودگذشتگی در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده محل رشد و تعالی، بروز استعدادها و حلقه ارتباط انسان با جامعه است (کمالی، ۱۳۸۹). مقصود از تحکیم خانواده در اصطلاح اسلامی، حفظ حقوق اعضا، حاکمیت اخلاق و رعایت اصل اعتدال همه افراد است. (حسینی، ۱۳۸۳) در قرآن، سکون و آرامش اعضا از اهداف تشکیل خانواده بیان شده است (ر.ک.، روم: ۲۱). همه رفتارها در محیط خانواده باید در راستای آرامش باشد. تحکیم یعنی، اقداماتی که با آن، سکون انسان به کمال می‌رسد. انگیزه تحکیم خانواده در فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت است، برای مثال برخی فقط در تحکیم خانواده به انگیزه جنسی و صیانت ذات اشاره دارند و معتقدند هدف اصلی از تشکیل نهاد خانواده رفع نیازهای جنسی است. برخی علاوه بر این دو، انگیزه اجتماعی را نیز از عوامل تحکیم می‌دانند (سیاسی، ۱۳۵۴/۱، ۳۸۶). در نقد این سخن باید گفت از نظر اسلام اگرچه ازدواج راهی درست برای رفع غریزه جنسی است، ولی هدف اصلی نبوده و به تنهایی کافی نیست و باید به عوامل نیز دیگر توجه کرد. منظور از تحکیم، تداوم روابط و حاکمیت اخلاق تا پایان زندگی است و ممکن است در دورانی از زندگی مثل دوران پیری غریزه جنسی نقشی نداشته باشد و یا کم‌رنگ شود. نگاه اسلام به تحکیم خانواده نگاه تعالی، رشد و کمال است.

۱-۲. تکثیر نسل

قائلین به تکثیر جمعیت در مقابل قائلین به تحدید جمعیت معتقدند که جمعیت زیاد باعث شکوه و عظمت مسلمین می‌شود و جامعه مسلمین از نظر امنیت، اقتصاد و سیاست رشد می‌کند. همچنین باعث استحکام بنیان خانواده می‌گردد. تکثیر جمعیت فقط از نظر کمیت مهم نیست، بلکه کمیت و کیفیت جمعیت باهم ارزش دارد. در کشور چین با جمعیت زیاد از آنجاکه به موازات کمیت، کیفیت نیز رشد کرده است امروزه در ردیف کشورهای توسعه یافته است. مهمترین ادله فقهی که می‌توان تکثیر و مطلوبیت جمعیت را از آنها استنباط کرد عبارتند از:

۲-۱-۱. آیات تأییدکننده تکثیر نسل

برخی آیات صراحت در ازدیاد نسل دارند و برخی دیگر به طور ضمنی با تقبیح کردن اموری که تحدید نسل نتیجه آن است به ازدیاد نسل ترغیب می‌کنند.

اول) منع فرزندکشی به دلیل ناداری: در آیاتی مانند آیات ۱۴۰ و ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۳۱ سوره اسراء: ۳۱ خداوند متعال انسان‌ها را از اینکه به دلیل فقر، فرزندان خود را بکشند، نهی کرده است و قتل فرزندان را گناه و خطایی بزرگ می‌داند. فرزندکشی، گناه و جنایت است حال چه پسر باشد و چه دختر و از آن، حرمت قتل به صورت مطلق دریافت می‌شود. در عصر جاهلیت فرزندکشی میان اعراب جاهلی رواج داشت. فرزندکشی گناهان زیادی مانند سوءظن به رزاقیت خداوند متعال و دخالت آدمی در تقدیر خداوند متعال را به دنبال دارد. کسانی که در جامعه کنونی با انواع روش‌ها مثل سقط جنین، روش‌های مرسوم ضد بارداری و... اقدام به فرزندکشی می‌کنند مرتکب سوءظن به خداوند در رزاقیت و دخالت در شئون الهی شده‌اند. خداوند متعال در آیاتی، رزق و روزی را از آن خود می‌داند و به هرکس می‌خواهد، می‌بخشد. آیه ۶ سوره هود می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا». همچنین آیه ۲۲ سوره ذاریات می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ» و در آیه ۶۲ سوره عنکبوت آمده است: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ». مدعیان کثرت فرزند معتقدند که تحدید نسل نوعی سوءظن به رزاقیت خداوند متعال است. بنابراین، این آیات دال بر افزایش نسل در قرآن کریم است.

دوم) تشویق به ازدواج: در برخی از آیات قرآن مثل آیه ۳۲ سوره نور آمده است: «مردانی که زن ندارند و زانی که شوهر ندارند را به نکاح درآورد». در آیه سوم سوره نساء نیز آمده است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ». اگرچه این آیات صراحت در تکثیر جمعیت ندارد، اما از آن دلالت التزام فرزندآوری و تکثیر نسل دریافت می‌شود. از جمله فوائد ازدواج از منظر قرآن تکثیر نسل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۵/۱۵). همچنین در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» (بقره: ۲۲۳) خداوند متعال مردان را در حکم کشاورزی می‌داند که در مزرعه و کشتزار خود یعنی، زنان می‌تواند هر نوع کشتی بکارند و به طور یقین این کشت ثمره‌ای به نام فرزند خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۶۴/۲). خداوند زن را کشتزار می‌نامد نه فقط

محلّی برای ارضای غریزه جنسی. از کلمه «حرث» که در آیات فوق تکرار شده است اهمیت فرزندآوری دریافت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵/۱۱/۱۸۷). خداوند در آیه ۱۱ سوره شوری می‌فرماید: «تحت عنوان فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ». خداوند در این آیه با واژه «يَذُرُّكُمْ» اشاره به تکثیر انسان می‌کند. اگرچه این کلمه در مورد سایر حیوانات نیز به کار می‌رود، اما خداوند آن را برای ارزش والای انسان در دو کلمه بیان کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵/۱۴/۱۲۳). باتوجه به این آیه تکثیر نسل اقدام پسندیده‌ای است و هر اقدام مخالف با آن ممنوع است.

سوم) نهی از سقط جنین: در آیتی از قرآن مانند آیه ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۳۱ سوره اسراء، خداوند حکم اولیه سقط جنین را غیرمشروع و قتل معرفی می‌کند، البته این حرمت غیر از موارد جوازی است که در فقه بیان شده و احکام جواز ثانویه است. در روایت صحیحی ابی عبیده آمده است: «شخصی از امام باقر علیه السلام می‌پرسد که اگر زنی دارویی بخورد که سقط جنین انجام دهد چه حکمی دارد؟ امام علیه السلام در جواب می‌گوید که دیه دارد و زن دیه را نمی‌برد و باید به پدر بدهد؛ چون زن قاتل است». در این روایت، عبارت قاتل دال بر حرمت این عمل است (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۲۷/۲۸). با قرار دادن آیات و روایات در کنار یکدیگر مشخص می‌شود که سقط جنین نوعی قتل خفی است. به‌طورکلی آنچه از ادله حرمت سقط جنین برداشت می‌شود حرمت مطلق سقط جنین است. سقط جنین عوارض روحی-روانی زیادی نیز برای مادر دارد. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که افسردگی عارضه شایع در میان مادرانی است که تجربه سقط جنین عمدی دارند و پیش‌زمینه بسیاری از بیماری‌ها در این مادران به‌شمار می‌رود و استرس و اضطراب فراگیری آنها را پس از این حادثه احاطه می‌کند (علوی‌نژاد، ۱۳۸۶). احتمال خودکشی مادرانی که به‌صورت عمدی تجربه سقط جنین دارند، بیش از سایرین است. این مسئله به عذاب وجدان ناشی از این اقدام بازمی‌گردد. به‌آرامش رسیدن این افراد در چنین شرایطی بسیار سخت است. در نتیجه باتوجه به این عوارض، ایفای نقش مادری با مشکل مواجه می‌شود و این خود آغاز سستی در خانواده است. به‌طورکلی و با دلالت التزام از مفاد مبانی حرمت سقط جنین می‌توان دریافت که اسلام، فرزندآوری را به‌صورت ویژه در برنامه‌های تبلیغی خود دارد.

۲-۱-۲. نقد استدلال به آیات فرزندآوری

در مقابل قائلین به تکثیر جمعیت، برخی مخالف تکثیر جمعیت هستند. مخالفان مسئله تکثیر جمعیت در راستای اثبات نظر خود به آیه ۲۳۳ سوره بقره استناد کرده‌اند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ و مادران باید دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که می‌خواهد فرزند را شیر تمام دهد و به عهده صاحب فرزند است؛ (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد. هیچ‌کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود». قائلین به تحدید جمعیت معتقدند که مدت شیردهی دو سال است و در این مدت، بارداری در زنان شیرده نسبت به کسانی که کمتر به فرزندان خود شیر می‌دهند یا از غذاهای جایگزین استفاده می‌کنند، کمتر است. شیردادن باعث متوقف شدن تخمک‌گذاری و برهم زدن نظم قاعدگی در زنان می‌شود و بارداری اتفاق نمی‌افتد. در ادامه این آیه تکلیف مالایطاق ممنوع شده و آمده است که اگر والدین در این مدت بخواهند بچه‌دار شوند در رنج و سختی افتادن والدین است که خود مصداق تکلیف مالایطاق است و اینکه والدین نباید در نگهداری بچه‌ها به زحمت و رنج بیفتند و بچه‌ها بیشتر از توان پدر و مادر باشند. در واقع عدم رنج با فرزند کمتر میسر می‌شود. بر این اساس، از این آیه تحدید جمعیت قابل استنباط است. در جواب این استدلال می‌توان گفت که شیردهی دلیل بر کمی فرزند نیست؛ زیرا به‌طور عملی در میان زنان اتفاق افتاده است که در دوران شیردهی صاحب فرزند شده‌اند و حتی در زمان بسیار کمی بعد از زایمان، خون حیض می‌بینند و این بر آمادگی رحم برای فرزندآوری دلالت دارد. بنابراین، دوره دو ساله شیردهی به معنای مخالفت با فرزند نیست.

۲-۱-۳. روایات تأییدکننده تکثیر نسل

یکی از ادله طرفداران تکثیر جمعیت استناد به روایاتی است که صحیح‌السند است.

اول) روایت در مورد ازدواج با دختران باکره

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ

مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَمَاتَهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَهاً وَأَدْرُ شَيْءٍ أَخْلَافاً وَأَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَاماً أَمَا عَلِمْتُمْ أَنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: با دختران باکره ازدواج کنید؛ زیرا آنها از نظر بوی دهان خوش‌بوتر و از نظر شیردهی پرشیرتر و از نظر رحم فراخ‌ترند. آیا نمی‌دانید که من در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها حتی به جنین سقط‌شده افتخار می‌کنم؟». (صدوق، ۱۳۹۸)

اولین راوی این حدیث ابن‌الولید است که نجاشی و شیخ طوسی او را تأیید کرده‌اند (ر.ک. نجاشی، ۱۳۶۵؛ طوسی، ۱۳۷۳). محمدبن حسن صفار، راوی بعدی این حدیث است که در کتب رجالی در مورد مدح یا ذم او سخنی گفته نشده است. عباس بن معروف، راوی دیگر این حدیث می‌باشد که مورد تأیید شیخ طوسی است (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳). حسن بن محبوب از دیگر راویان این حدیث است که علمای رجال او را و الامقام و از اصحاب اجماع می‌دانند (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳). علی بن رئاب از دیگر راویان این حدیث و مورد تأیید شیخ طوسی است (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳، ۲۶۴). در مورد عبدالاعلی مولى آل سام نیز باید گفت که مورد تأیید علامه حلی، کشی و ابن‌داود است (ر.ک.، ابن‌داود، ۱۳۴۲؛ حلی، ۱۳۸۱؛ کشی، ۱۳۶۳). از آنجا که در مورد محمدبن حسن صفار نیز ذمی وارد نشده، می‌توان گفت که این روایت صحیح است.

- بررسی دلالی روایت فوق: این حدیث با برشماری ویژگی‌های ارجح زنان برای انتخاب در قالب همسر بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دلالت دارد و ازدواج را راهی برای فزونی جمعیت مؤمنین معرفی می‌کند. دلالت این احادیث بر پسندیده بودن فرزندآوری بسیار روشن است و می‌توان آنها را یکی از بهترین مشوق‌های ازدیاد جمعیت در میان مسلمانان در نظر گرفت.

دوم) روایت بیان شده در تفاخر به جمعیت مسلمان در قیامت

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَمِّدِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بر

تعداد فرزندان بیافزاید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم». (ابن‌داود، ۱۳۴۲)

بررسی سندی روایت فوق: از نظر سندی باید گفت آنها که از احمدبن محمد نقل کرده‌اند، مورد تأیید می‌باشند خواه احمدبن محمد باشد یا احمدبن محمدبن عیسی قمی یا احمدبن محمدبن خالد برقی که همگی مورد تأیید است. (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۱۴۷/۳۰) قاسم بن یحیی بن حسین بن راشد یکی دیگر از راویان این حدیث است؛ اگرچه ابن غضائری او را تضعیف کرده است (ر.ک.، ابن غضائری، ۱۳۶۴/۸۶). آیت الله خویی در دوره معاصر به دو دلیل او را مورد وثوق قرار داده است: نخست، به این دلیل که در سند کامل الزیارة ابن قولویه از او نام برده شده است و دوم اینکه، در سند زیارت امام حسین علیه السلام از او نام برده شده و به نقل از شیخ صدوق این زیارت صحیح است (خویی، بی تا، ۱۴/۵۶). دیگر راوی این حدیث، حسن بن راشد است که علامه حلی و شیخ طوسی او را موثق دانسته اند (ر.ک.، طوسی، ۱۳۷۳). آخرین راوی، محمد بن مسلم از اصحاب اجماع و مورد تأیید بسیاری از علماست (ر.ک.، کشی، ۱۳۶۳). بنابراین، این حدیث از احادیث صحیح است.

بررسی دلالتی روایت فوق: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث فوق به طور مستقیم و صریح امر به ازدیاد فرزندآوری کرده که دلالت آن بر مطلوبیت این موضوع و استحبابش روشن است.

سوم) روایات بیان شده مورد نهی از ازدواج با زنان نازا

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِي ابْنَةً عَمَّ قَدْ رَضِيْتُ جَمَاهَا وَ حُسْنَهَا وَ دِينَهَا وَ لِكْتَمَهَا عَاقِرٌ فَقَالَ لَا تَزَوِّجْهَا إِنَّ يُونُسَ بْنَ يَعْقُوبَ لَنِي أَخَاهُ فَقَالَ يَا أُخِي كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ التَّسَاءَ بَعْدِي فَقَالَ إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ قَالَ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْعَدِ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ تَزَوَّجْ سَوْءَاءً وَ لَوْ دَأَّ فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْيَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا السَّوْءَاءُ قَالَ الْقَبِيحَةُ؛ فردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من دخترعمویی دارم که از زیبایی، خوش اخلاقی و دینش راضی شده‌ام، ولی نازاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با او ازدواج نکن؛ زیرا یوسف بن یعقوب وقتی با برادرش ملاقات کرد، گفت: برادر جان! چگونه توانستی پس از من، ازدواج کنی؟ عرض کرد که پدرم به من دستور داد و فرمود: اگر می‌توانی فرزندانی داشته باشی که بر روی زمین با تسبیح الهی سنگینی کنند، این کار را بکن. امام صادق علیه السلام فرمود: فردای آن روز نیز مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و همان سؤال را پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با زن سوءاء فرزندآور ازدواج کن؛ زیرا من در روز قیامت به شما بر سایر امت‌ها افتخار می‌کنم. راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مراد از سوءاء چیست؟

فرمود: زن زشت‌رو» (کلینی، ۱۴۲۹ه.ق. ۵/۳۲۳)

بررسی سندی روایت فوق: «عدة من اصحابنا» که در صدر حدیث فوق است همان طور که در حدیث قبل بررسی شد مورد تأیید علمای رجال است. احمد بن محمد نیز در حدیث قبل بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. حسن بن محبوب نیز مورد تأیید است و در روایت قبل بررسی شد. راوی دیگر این حدیث، عبدالله بن سنان است که رجال شناسان بزرگی مانند کشی و شیخ طوسی او را تأیید کرده‌اند (ر.ک.، طوسی، ۱۴۲۰؛ کشی، ۱۳۶۳). بنابراین، سند این روایت نیز صحیح است.

بررسی دلالتی روایت فوق: این حدیث از جوانب مختلف مثل امر کردن به ازدواج با دخترانی که زایا هستند، تفاخر به دیگر امم به دلیل فراوانی جمعیت مسلمان در قیامت، مطلوبیت زیاد بودن افراد تسبیح‌کننده، ترجیح ازدواج با زنی که جمال زیبا ندارد، ولی زایاست نسبت به زن زیبای نازا بر مطلوبیت و فراوانی فرزندآوری دلالت می‌کند.

۲-۱-۴. نقد استدلال به روایات فرزندآوری

در مقابل احادیثی که بر مطلوبیت فرزندآوری دلالت دارند احادیثی نیز نقل شده‌اند که مضامین آنها مخالف با مطلوبیت فرزندآوری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْاَكْبَرُ، وَ قَلَّةُ الْعِيَالِ اَحَدُ الْيَسَارِينِ؛ همانا فقر، موت بزرگ است و کم بودن عائله، خود یکی از دو چیز است که زندگی به وسیله آنها آسان می‌شود» (مجلسی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۹۸/۱۰)، پس چطور با این دسته از روایات می‌توان ادعای مطلوبیت فرزندآوری کرد.

بررسی سندی روایت فوق: در مورد سند این روایت برخی از رجال یون خدشه وارد کرده‌اند. (خرازی، ۱۳۷۹) این روایت با سه سند از شیخ صدوق نقل شده است. در میان اسناد این سند دو نمونه به دلیل راویان توثیق نشده‌اند. در میان راویان حدیث، افراد مجهولی مانند قاسم بن یحیی، محمد بن هارون و عبدالله بن موسی یقطینی هستند که فقط یکی از آنها مورد وثوق است و دو نفر دیگر ضعیف هستند (محمدی، اکبرنژاد و رضایی، ۱۳۹۶).

بررسی دلالتی روایت فوق: از نظر دلالت می‌توان گفت که لفظ عیال، مطلق است و فرزندان و همسر را شامل می‌شود و فقط به معنای مطلق فرزندان نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ۴۸۸/۱۱) بنابراین، این حدیث با احادیثی که بر مطلوبیت فرزند دلالت می‌کند، مقید می‌شود و می‌توان گفت که هر نوع عیالی را شامل نمی‌شود، بلکه فقط کمی همسر یکی از

راحتی هاست و حتی در صورت پذیرش نظر مخالفین مبنی بر اینکه عیال به معنی فرزندان است، باز هم می‌توان گفت که روایات فوق بیشتر جنبه شخصی دارد. دوم اینکه تشویق به کمی فرزند و همسر از این روایت استنباط نمی‌شود. در واقع این حدیث بیان می‌کند که زیادی عیال سخت است و این با مستحب بودن فرزندآوری و تلاش برای تحکیم خانواده منافات ندارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْكَأْدُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که از راه حلال برای امرار معاش زن و فرزند تلاش می‌کند همانند مجاهد راه خداست» (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷۲/۱۰۱؛ خرازی، ۱۳۷۰). از این حدیث، مطلوبیت جلوگیری از فرزندآوری استنباط نمی‌شود و فقط بیان یک واقعیت است و تسلی خاطر است برای کسانی که فرزندان کمی دارند و از آن رنج می‌برند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۳/۱۵۴).

۲-۲. قواعد فقهی تکثیر نسل

۲-۲-۱. قاعده درء المفسد اولی من جلب المنافع

قاعده «درء مفسد اولی من جلب المصالح» از قواعد فقهی پرکاربرد و از فروع قاعده کلی «لاضرر و لا ضرار» است. هرچند این قاعده بیشتر نزد اهل سنت مطرح شده است، در کتب فقهی و اصولی فقه‌های فریقین به کرات به آن استناد شده است. از آنجا که مقصود احکام شریعت محافظت از مصالح فردی و اجتماعی است و قاعده «درء المفسد اولی من جلب المصالح» از قواعد مرتبط با مصالح و مفسد است ارتباط وثیق این قاعده با نظریه مقاصد شریعت در حمایت از رعایت مصالح و دفع مفسد می‌تواند برای پاسخ‌گویی به مشکلات جدید، راهکاری مهم باشد. (حسینی سیستانی، ۱۳۹۶) در دوران امر بین مصلحت راجح و مفسده مرجوح، مصلحت راجح معتبر است، ولی اگر مسئله برعکس شد یعنی، مفسده راجح و مصلحت مرجوح بود جانب مفسده حکم می‌شود و باید دفع مفسده شود (شاطبی، ۱۳۴۷). به نظر کارشناسان، تحدید جمعیت در دهه اخیر و با توجه به مفسده و مشکلاتی که برای نظام خانواده دارد باید رفع شود. از این رو، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و الگوهای توسعه در مقیاس کلان با دفع مفسده تحدید نسل باید باعث افزایش جمعیت و تکثیر نسل شود.

۲-۲-۲. قاعده حرمت اختلال نظام

از ادله دال بر تکثیر نسل قاعده حرمت اختلال نظام و وجوب و حفظ آن است. در فقه و

اصول در موارد زیاد، حکم حرمت نتیجه حرمت اختلال نظام است (حلی، ۱۴۱۷ هـ.ق؛ خمینی، ۱۳۸۲، ۳۱۶/۱؛ حکیم، ۱۴۱۸) یا حکم وجوب، نتیجه وجوب حفظ نظام است (نابینی، ۱۳۶۸، ۱۳۲/۲) اصطلاح حرمت و وجوب حفظ نظام، در زبان فقها بسیار شایع است و دلیل این قاعده را حکم عقل می‌نامند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶)، اما معنا، مفهوم و مبنای آن به درستی تبیین نشده است. منظور از نظام، انسجام و یک‌دستی و پیوستگی در حیات انسان است. بنابراین، می‌توان هر چیزی که باعث برهم زدن نظم و توازن در زندگی انسان‌ها شود را حرام دانست و هرچه را باعث حفظ و انسجام این یکپارچگی شود، واجب شمرد (رهبرپور، ۱۳۸۹). بسیاری از مسائل مستحدثه را می‌توان زیرمجموعه این قاعده قرار داد (محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۹۰/۲) که از جمله آنها مسئله تکثیر نسل است. ضرورت برقراری نظم در خانواده امری مسلم است و فقهایی اسلام آن را ضرورت عقلی دانسته و بر آن اتفاق نظر دارند تا آنجا که اختلال نظام را یکی از ادله حاکم بر سایر احکام اسلامی می‌دانند و هر جا حکمی باعث اختلال نظام شود آن را منع می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۱۶۰/۲). تکثیر جمعیت تا زمانی پسندیده است که کیفیت جمعیت هم در کنار آن لحاظ شود و در جامعه و خانواده شرایط و امکانات وجود داشته باشد وگرنه چه بسا تکثیر جمعیت باعث اختلال شده و فرزندان سربار خانواده باشند. باید توجه داشت که نگاه جامعه‌شناختی به مسئله فرزندآوری و موانع اجتماعی آن بحث مستقلی است که ممکن است در برخی موارد از نظر مبانی با داده‌های فقهی متعارض باشد. به تعبیر ممکن است واقعیات اجتماعی مطابق سبک مطلوب فقاقت اسلامی نباشد و نباید معیاری برای سنجش مدعای تجویزی فقه قرار گیرد.

۲-۳. آثار تکثیر نسل بر تحکیم خانواده

۲-۳-۱. سلامت جسمی-روانی والدین

یکی از فواید فرزند برای والدین به ویژه مادر، سلامت جسمی است. براساس تحقیقات، زنانی که نسبت به هم‌نوعان خود فرزند بیشتری دارند کمتر در معرض خطرات مرگ بیماری‌های قلبی-عروقی هستند. (لایبنی، ۱۳۹۳) در تحقیقات دانشمندان دانشگاه بریگهام آمریکا در خلال سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ میلادی از بین ۲۰۰ هزار خانواده در ۸۵ کشور جهان مشخص شد که داشتن فرزند باعث اعتماد به نفس، کاهش فشار خون، افزایش شادی و

نشاط، استفاده بیشتر از قوه عقل و... می شود (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴). براساس نتایج یک مطالعه هر ۱۲ ماه شیردهی، خطر ابتلا به سرطان پستان را ۴.۳٪ کاهش می دهد. همچنین نسبت سرطان سینه در زنانی که بچه ندارند (نولی پار) به زنانی که ۲ و بیشتر بچه دارند ۱٫۲ تا ۱٫۷ برآورد شده است (جباری، ۱۴۰۱). در تحقیقات جدید دیگر این نتیجه حاصل شد که بارداری تأثیر بسیار مطلوبی در عملکرد حافظه و مغز دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۹۴).

تقریر فقهی مطلب با تطبیق بر مانحن فیه این گونه است: «مستفاده از داده‌های کمی بین سلامتی و آرامشی روحی و روانی و جسمی خانواده (پدر و مادر) ارتباط وجود دارد و روشن است که سلامتی و آرامش روانی اعضای خانواده عامل مؤثر در تحکیم مطلوب خانواده خواهد بود. به تعبیر دیگر، یک استدلال مرکب از نقل و عقل و علم وجود دارد:

- مقدمه اول: تکثیر نسل از منظر شارع مطلوبیت دارد؛

- مقدمه دوم: براساس تحقیقات کمی تجربی، داشتن فرزند موجب اعتماد به نفس و

نشاط روحی و کاهش یا پیشگیری از امراض جسمی و روحی است؛

- مقدمه سوم: ادراک عقلی یا فطری و تجربی و عرفی، نشاط و سلامتی روانی و جسمی

در تعالی و تحکیم خانواده تأثیر دارد؛

- نتیجه: تکثیر نسل در تحکیم خانواده مؤثر است».

۲-۳-۲. کاهش طلاق

طلاق از مسائلی است که باعث فروپاشی نظام خانواده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «ما أحلَّ اللهُ شيئاً أبغضَ إليه من الطَّلاقِ؛ خداوند چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد، حلال نکرده است» (نوری، ۱۳۶۵، ۲۸۰/۱۵). وجود فرزند در خانواده عاملی برای استحکام و ثبات خانواده است. در خانواده‌های تک فرزند یا بدون فرزند، زوجین هنگام اختلاف راحت تر و بیشتر به طلاق فکر می کنند، ولی در خانواده‌های با فرزندان بیشتر، والدین در ناملایمات زندگی حداقل به خاطر فرزندان بیشتر صبر و حوصله می کنند و گاهی چندین سال از طلاق پرهیز می کنند. چه بسا که این صبر باعث کمتر شدن و از بین رفتن وقوع طلاق می شود (علوی نژاد، ۱۳۸۶). از اهداف تشکیل خانواده آرامش روانی و تولید مثل است. این اهداف به زوجین انرژی و نشاط می دهد تا به زندگی ادامه دهند. داشتن ثمرات نیکو عامل

دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آنها و آرامش بخش زندگی و موجب اعتماد به نفس و راهی برای جلوگیری از طلاق والدین است (بارانی، ۱۳۹۴). هرچه تعداد فرزند بیشتر باشد، زندگی کمتر به خطر می افتد (نجمار باغ سیاه، ۱۳۹۵).

برخی مطالعات در حوزه علوم خانواده نشان می دهد که نسبت طلاق میان متأهلینی که فرزند دارند به مراتب کمتر از متأهلین بدون فرزند است. (نبی زاده، ۱۳۹۵)؛ یعنی فرزندان عامل مستحکمی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده در ناملایمات هستند. براساس تحقیقات در ایران نیز خانواده های بدون فرزند به نسبت خانواده هایی که فرزند دارند بیشتر در معرض فروپاشی قرار دارند و نبود فرزند در خانه از عوامل گسست در زندگی مشترک است (فاضلی مهر، ۱۳۹۹). براساس پژوهش های انجام شده، نبود فرزند در خانه از عوامل گسست در زندگی مشترک است (فراجاد، ۱۳۷۲). این داده های کمی و کیفی استفاده از تحقیقات کمی و نیز داده های نقلی، دلالت بر مقصود و مسئله می کند؛ یعنی طلاق عامل فروپاشی و از بین رفتن استحکام خانواده و فرزندآوری موجب استحکام و تقلیل موارد طلاق است و هر امر مشروعی که موجب حفظ خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن شود، مطلوب شارع خواهد بود. با این تقریر، هم فرزندآوری و هم تأثیر آن بر تحکیم خانواده و نیز مطلوبیت هردو ثابت می شود.

۳-۳-۲. امید به زندگی و شادی در خانواده

در دهه های اخیر باتوجه به کاهش جمعیت، نظام خانواده با انواع بحران روبه رو شده است که از جمله آن می توان به عدم امید به آینده و زندگی و افسردگی و مفید بودن اشاره کرد. براساس تحقیقات روان شناختی، احساس ارزشمند بودن از نیازهای انسان است. (مزلو، ۱۳۷۶، ۸۲/۳؛ پناهی، ۱۳۹۵) مفاد قرآنی و روایی فرزندان را مایه امید و باعث آسوده خاطر بودن و قوت قلب می داند و در تأیید این سخن، برخی از اندیشمندان حوزه روان شناسی معتقدند که فرزندان باعث لذت در خانواده و منبع شادی هستند (آزگیل، ۲۰۰۱). مؤید دیگر اینکه براساس تحقیقات انجام شده در ایران با داشتن فرزند، امید به زندگی و شادی در والدین دوچندان می شود. همچنین در تحقیقات صورت گرفته تک فرزندی یا بی فرزندی باعث افسردگی والدین در درازمدت می شود (ترکان، ۱۳۹۶). ویل دورانت می گوید: «زندگی زناشویی بدون فرزند پژمرده است و پس از فرزنددار شدن شکفته می شود» (دورانت، ۱۳۸۶). این همسویی

و تأثیر و تأثر متقابل بر اثر فرزندآوری بر تحکیم خانواده دلالت می‌کند. در پژوهش‌های روان‌شناسان مشخص شده است که بین وجود فرزند و شادی در والدین رابطه معناداری وجود دارد (کارن هورنای، ۱۳۸۱).

۲-۳-۴. فرزندان کمک‌کار والدین در زندگی

باتوجه به آیات و روایات مشخص می‌شود که برای پیشبرد اهداف در یک خانواده، فرزندان می‌توانند کمک‌کننده باشند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛ از سعادت یک مرد فرزندان است که به او کمک می‌کنند» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۱۶۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۱/۳۵۶). به‌طور طبیعی وجود فرزندان آثار و برکاتی برای والدین به دنبال دارد که امام سجاد علیه السلام به خوبی به این آثار و برکات اشاره کرده است. ایشان از خداوند چنین طلب می‌کند: «آنان را در حوائج یاور من گردان» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۴، دعای ۲۵). زندگی انسان سرشار از نیازها و حوائج مادی و معنوی است که افراد در برآوردن آنها از کمک دیگران بی‌نیاز نیستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاءُ عَنِ النَّاسِ؛ عزت مؤمن در بی‌نیازی و طمع نداشتن به مال و زندگی دیگران است» (مجلسی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۷۲/۱۰۹). از آنجاکه وجود فرزندان امتداد وجود آدمی است نوعی اولویت برای رفع نیازها نسبت به والدین احساس می‌شود. تقریر استدلال به این شکل است که فرزند نوعی امداد الهی است و خود عزت و شوکت و قدرت است (خمینی، ۱۳۸۲). در خانواده‌هایی که فرزند دارند، فرزند کمک‌کار والدین در زندگی است و این باعث می‌شود امور خانواده در مسائل گوناگون بهتر انجام شود و ناملایماتی که به دلیل این قسم اتفاق می‌افتد کم‌رنگ شده و باعث استحکام بیشتر خانواده می‌شود.

۲-۳-۵. فرزندان عاملی برای ازبین رفتن فقر

فرزندان عاملی برای ازبین رفتن فقر در خانواده هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنْ يَكُونُوا فَقْرًا يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ هرکه از ترس تهی‌دستی ازدواج نکند به خداوند عزوجل گمان بد برده است. خداوند عزوجل می‌فرماید: «اگر تهی‌دست باشد خداوند از فضل خود توانگرشان می‌سازد» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳). اگرچه منطوق این احادیث رابطه فقر و ازدواج را بیان می‌کند، اما به دلالت التزامی می‌توان دریافت که فرزندآوری یکی از لازمه‌ها و نتایج ازدواج و ترس از فقر هم ناشی از کثرت

اولاد است. بنابراین، انسان ترس از این دارد که مبادا از پس خرج فرزندان برنیاید وگرنه اداره تنها یک زن چندان مهم نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی تشکیل خانواده را یکی از چیزهایی می‌داند که رزق و روزی انسان را زیاد می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳). از این آیات و روایات می‌توان دریافت که ازدواج و ثمره آن یعنی، فرزندآوری نه فقط باعث رکود اقتصادی و فقر، بلکه باعث پیشرفت اقتصادی می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که عدم پایداری در برخی خانواده‌ها به دلیل فقر و اقتصاد اتفاق می‌افتد و وجود فرزندان در کمک به اقتصاد خانواده جلوی بسیاری از مشکلات را گرفته و باعث ثبات و استحکام خانواده می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به آیات، روایات و قواعد فقهی مرتبط با جمعیت، مشخص شد که طلب فرزند و تکثیر نسل مسلمانان، مطلوبیت ذاتی دارد. این مطلوبیت بدون توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی مربوط به جامعه و فرد است. جهت‌گیری کلی روایات به سمت کثرت اولاد است. به تعبیر روایات، حضور فرزندان باعث دلگرمی والدین و بازوی آنها محسوب شده و در سلامت و آرامش روانی والدین مؤثر است. آیات قرآن فرزند و جمعیت را مدد الهی و از ارکان تکامل بشر می‌داند. روایات معصومین علیهم السلام درباره رحمت الهی دانستن فرزند و استحباب کثرت اولاد درکنار سفارش به ازدواج با زنان ولود نشان‌دهنده اهمیت فرزندآوری و تولید نسل ازمنظر دینی است. حکمت معنوی و هدف اصلی از ازدیاد نفوس مسلمانان براساس آموزه‌های دین اسلام مقدم بودن مصالح معنوی بر مصالح مادی است، البته سیاست راهبردی اسلام در ازدیاد نفوس در صورتی است که کمیت همراه با کیفیت باشد و این مطلوب اسلام است. صرف ادعای کمیت بدون کیفیت پسندیده نیست. آیات و روایات زیادی شاهد بر این است که کثرت نسل صالح و پایبند به ارزش‌ها و اصول اسلامی مطلوب است. اگر کثرت نسل موجب تقویت نظام خانواده و اجتماع شود به حکم شرع و عقل بر مطلوبیت آن افزوده شده و در قالب حکم ثانوی واجب می‌شود. ادله قائلین به تحدید جمعیت و کسانی که مخالف تکثیر نسل می‌باشند، مطلق نیست و باتوجه به آیات و روایت زیاد درباره ارزش و اهمیت فرزندآوری نمی‌توان قائل به این نظر بود و این نظریه قابل

پذیرش نیست. این ادله بدون ادله فقهی دیگر تفسیر شده است. باید توجه داشت که کنترل جمعیت و تنظیم برنامه‌های خانواده در درازمدت آسیب‌های جدی برای نظام خانواده و اجتماع دارد. فرزندآوری و تکثیر نسل به شرط کیفیت و فراهم بودن نیازهای مادی، معنوی و رفاهی باعث تحکیم بنیان خانواده می‌شود. ازمنظر روان‌شناختی و تحقیقات روان‌شناسی بین وجود فرزندان و تحکیم خانواده ارتباط معنادار وجود دارد. یکی از فواید فرزند برای والدین به‌ویژه مادر، سلامت جسمی است. داشتن فرزند برای زن در حکم سلامتی اوست. تحقیقات نشان می‌دهند زنانی که نسبت به هم‌نوعان خود فرزند بیشتری دارند کمتر در معرض خطرات مرگ بیماری‌های قلبی عروقی هستند.

براساس آیات قرآن و تحقیقات روان‌شناسان، امید و نشاط به زندگی و مفید بودن در خانواده‌هایی که فرزند دارند بیشتر است. وجود فرزند موجب آسایش روحی و فکری انسان می‌شود و انسان را از دغدغه درونی و افسردگی روحی نجات می‌دهد. در پژوهش‌های روان‌شناسان مشخص شده است که بین وجود فرزند و شادی در والدین رابطه معناداری وجود دارد؛ فرزندان کمک‌کار والدین می‌باشند و کسانی که فرزند دارند کانون خانواده محکم‌تری دارند؛ زیرا پدر و مادر به دلیل تأمین فرزندان بیشتر به کار و تلاش می‌پردازند و مشکلات کوچک نمی‌تواند آنها را متزلزل کند. وجود فرزند در خانواده عاملی برای استحکام و ثبات خانواده است. در خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند در اختلافات احتمالی، زوجین راحت‌تر به طلاق فکر می‌کنند، ولی در خانواده‌های دارای فرزندان بیشتر، والدین در ناملایمات زندگی حداقل به دلیل وجود فرزندان، بیشتر صبر و حوصله می‌کنند و گاهی چندین سال از طلاق پرهیز می‌کنند. چه بسا که این صبر باعث کمتر شدن و ازبین رفتن طلاق می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۶). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالقرآن الکریم.
 * نهج البلاغه (۱۳۹۴). مترجم: دشتی، محمد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 * صحیفه سجادیه (۱۳۷۴). مترجم: انصاریان، حسین، تهران: پیام آزادی.
 ۱. ابن داوود، حسن بن علی (۱۳۴۲). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴). الرجال. قم: دارالحدیث.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ.ق)، *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۴. آیت الهی، زهرا (۱۳۹۴). *دانش خانواده و جمعیت*. قم: نشر معارف.
۵. بارانی، صادق (۱۳۹۴). *بررسی پدیده طلاق در خانواده*. مجموعه مقالات دومین همایش سبک زندگی اسلامی. تهران.
۶. پناهی، احمد (۱۳۹۵). *نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه های دینی با رویکردی اخلاقی*. نشریه علمی-ترویجی اخلاق، ۳۱(۶)، ۳۳-۶۳.
۷. ترکان، راضیه (۱۳۹۶). *فرزندم تک است*. تهران: نشر حدیث عشق.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت علیهم السلام. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۰. حسینی سیستانی، سید علی (۱۳۹۶). *قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات)*. قم: خرسندی.
۱۱. حسینی، اکرم السادات (۱۳۸۳). *تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی*. نشریه *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۶، ۴۶-۸۱.
۱۲. خرازی، محسن (۱۳۷۰). *کنترل جمعیت و عقیم سازی*. نشریه علمی-ترویجی *فقه اهل بیت (فارسی)*، شماره ۲۱، ۳۱-۵۸.
۱۳. خمینی، سید حسن (۱۳۸۲). *مبانی فقهی تنظیم خانواده*. تهران: پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی.
۱۴. خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). *معجم رجال الحدیث*. بی جا: بی نا.
۱۵. دوران، ویل (۱۳۸۶). *تاریخ فلسفه*. مترجم: زریاب خوبی، عباس. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۶. سیاسی، علی اکبر (۱۳۵۴). *نظریه های مربوط به شخصیت*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. سید علی، حسینی سیستانی (۱۳۹۶). *قاعده لاضرر و لاضرار (تقریرات)*. قم: خرسندی.
۱۸. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۳۴۷). *الموافقات فی اصول الاحکام*. محقق: محمد محی الدین عبدالحمید. قاهره: مکتبه و مطبعه محمد علی صبیح و اولاده.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). *من لایحضر الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ هـ.ق). *المیزان*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ هـ.ق). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
۲۵. فاضلی مهر، مونا، و رضوانی، سیده زینب (۱۳۹۹). *بررسی آسیب های تربیتی در خانواده های تک فرزند از نگاه اسلام و روان شناسی*. نشریه *مطالعات روان شناسی با رویکرد اسلامی*، ۱۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.
۲۶. قنادان، منصور (۱۳۷۵). *جامعه شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.
۲۷. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳). *اختیار معرفه الرجال*. قم: مؤسسه آل البیت.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ هـ.ق). *اصول کافی*. تهران: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۹. کمالی، مینا (۱۳۸۹). *بررسی میزان تحکیم خانواده در زنان خانه دار ساکن غرب تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ هـ.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۳۱. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶ هـ.ق). *قواعد فقه*. تهران: نشر علوم اسلامی.
۳۲. محمدی، علی، اکبرنژاد، طاهره، و رضایی، مهدی (۱۳۹۶). *اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی روایات فرزندآوری*. نشریه علمی-پژوهشی *حدیث پژوهشی*، ۱۸(۹)، ۱۹۸-۱۹۹.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. نبی زاده، معصومه (۱۳۹۹). *آثار فرزندآوری و نقش آن در تحکیم خانواده*. نشریه *خانواده در آیین فقه*، ۵(۵)، ۱۶۳-۱۸۲.
۳۶. نجاریاغ سیاه، مریم (۱۳۹۵). *بررسی پیامدهای درون خانوادگی تک فرزند*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء. تهران.
۳۷. نوری، میرزا حسین (۱۳۶۵). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.